

نگاهی گذرا بر تاریخ نگاری مملوکان و تعارض با ایلخانان

● ابوالفضل رضوی

مسیحی نوشته شده نیز در تکمیل مباحث و قضاوت نهایی می‌تواند بارگیر باشد.

در ارتباط با مورد اول که مطالب با دو دیدگاه متفاوت و تحت تأثیر ملاحظات سیاسی مطرح شده‌اند گفت اگر چه هر دو دسته از مورخان فوق‌الذکر سنی‌مذهب بوده و بی‌شک دلی پرخون از اعمال خلاف‌اسلام مغول‌ها داشته‌اند، اما اختلافات مذهبی و یا به‌ظن برخی محققان انگیزه‌های ملی‌گرایی نقشی در این خصوص نداشته، بلکه محدودیتی که این‌گونه مورخان با آن مواجه بوده‌اند موجب شده مطالب را با حب و بعض‌یان نمایند. همین محدودیت باعث شده که مورخان قلمرو ایلخانی وقایع را به گونه‌ای مطرح کنند که مطابق میل ایلخان باشد. گویا آنها به دنبال آن بوده‌اند که شکست‌های نظامی ایلخانان در جبهه شام و بن پس‌نیاست خارجی آنها در آن حدود را نادیده گرفته و یا به‌اختصار بیان نمایند. مورخان قلمرو مملوکان هم، اگر چه در دستگاه حاکمانی مسلمان مطالب خود را نوشته و محدودیت‌های کمتری داشته‌اند، مسلمان بوده و رقیباً غیر مسلمان و مهاجم بر قلمرو خویش می‌بدیدهند و بین‌بر روحیه مذهبی و سیاسی حوادث را آورده‌اند. این مورخان تا هنگامی که روابط سیاسی نظامی دولتها با دولت ایلخانان خصم‌انه بوده، رقبی را محکوم کرده، سی در ناموجه جلوه دادن آن کردند و آنگاه که روابط آرام بوده با مدارای بیشتری سخن گفته‌اند. بهترین حریه در جهت محکومیت فوق‌الذکر ران‌مسلمانی رقبی یافته و حتی پس از مسلمانی آنها و در مراحلی که مناسبات خصم‌انه بوده از آن سود جسته‌اند. بدینه است که مورخ سنی‌مذهبی که سقوط بغداد و قتل خلیفه عباسی و اعمال غیر اسلامی مفولان و همدستان آنها را به خاطر دارد و در دستگاه حاکمی مسلمان زندگی می‌کند تواند و یا نخواهد حقایق را بازگو کند. البته شیوه نگارش مورخان عربی زبان دور مراحل مختلف دولت ایلخانی متفاوت بوده است. در عصر ایلخانان غیر مسلمان و در زمان غازان مسلمان که مناسبات خصم‌انه با دولت مملوک داشته ایلخانان را سخت مورد حمله قرار داده و آنها را با عنوان‌ین کافر و ملعون و صفاتی از این قبیل باد کردند.^(۲) در این ارتباط‌اسلام غازان هم غیر

یکی از ویژگی‌های مهم تاریخ ایران در عصر حاکمیت مغول توجه به تاریخ و تاریخ‌نگاری است. تالیف کتب تاریخی مهمی همچون جهانگشای جوینی، تسلیمه‌الاخوان، طبقات ناصری، جامع التواریخ و دیگر تالیفات خواجه روشن‌الدین، تاریخ وصف، تاریخ‌بن‌ناکنی، تاریخ الجایتو، مجمع الانساب، مسامره‌الاخبار، ذیل جامع التواریخ روشن‌دی، سیرت جلال‌الدین و دیگر منابع گواهی بر این امر می‌پاشد.

یکی از ویژگی‌های مهم تاریخ ایران در عصر حاکمیت مغول، توجه به تاریخ و تاریخ‌نگاری است

بدون شک رابطه ایلخانان با دولت مملوک و چگونگی آن مهمترین مسئله مورد نظر دولت ایلخانی بوده و بعض‌سیاست داخلی آن‌ها را تحت الشعاع قرار می‌داده است. با وجود این دربسیاری موارد تاریخ‌نویسان فارسی زبان آنها را مسکوت گذاشته‌اند. این امر از یک طرف به اختلاف‌دیدگاه‌های مورخان زبان دستگاه دولت ایلخانی و مورخان عرب زبان دولت مملوک مربوط بوده و از طرف دیگر ناشی از میزان اهمیت مسایل مطرح شده برای هریک از دولتین بوده است. به عبارت دیگر از یک طرف ملاحظات سیاسی در این امر دخیل بوده و از طرف دیگر اهمیت یا عدم اهمیت مسایل مطروحه مقدور بوده است.

به هر علت مطالب منابع عربی دقیق‌تر و فراگیر‌تر بوده و بسیاری از مسایل مربوط به ایران و جهان اسلام را روشن تر بیان کرده است. البته این سخن به معنای که از زش جلوه دادن منابع فارسی نمی‌باشد. چرا که تنها با مقایسه و مقابله مطالب هر دو دسته از این منابع می‌توان واقعیت‌های امور را دریافت. در این ارتباط وجود دسته سومی از منابع که به وسیله مورخان

البته در هر دسته از منابع این امر شد و ضعف دارد.
از مهمترین منابع تاریخی مورخان عرب زبان این عصر که به جهت دارا بودن مطالب فوق الذکر مدنظر نگارنده بوده است می‌توان از: البدایه و النهایه ابن کثیر؛ السلوک لمعرفه دول الملوك مقربی؛ التحوم الزاهره فی ملوك المصر والقاهرة ابن تغزی بردى؛ المختصر فی اخبار البشر ابن الفنا؛ بدایع الزهور و وقایع الدهور ابن ایاس، الوفی بالوفیات الصدقی؛ شذرات الذهبی فی اخبار من الذهب ابن عماد حنبیل؛ نهایه الارب فی فنون الادب النویری؛ مسائل الاصصار العمري؛ المسجد المسبوک ملک اشرف غسانی؛ رحله ابن بطوطه العبر ابن خلدون نام برد.

سراجم این نکته قابل یادآوری است که منابع فوق به لحاظ دارا بودن مطالبی در ارتباط با تاریخ ایران عهد مغول یکسان نبوده و شدت و ضعف با خود دارند.

پائوشت‌ها:

۱-جوینی، علاء الدین عطاملک، تاریخ جهانگشای، به سعی واهتمام محمد بن عبدالوهاب قزوینی، تهران، ارگان، ۱۳۶۷، ج ۱، مقدمه.

۲-ابن کثیر، ابوالفداء الحافظ، البدایه و النهایه، بیروت، مکتبه المعارف، ۱۴۰۸، هـ / ۱۹۹۸، م، ۱۳، وقایع سال‌های ۱۴۵۷-۱۴۶۷ ق. به بعد؛ الاتابکی، جمال الدین ابن المحاسن یوسف بن تغزی بردى، التحوم الزاهره فی ملوك المصر والقاهرة، به اهتمام عبدالقادر حاتمی، دارالكتب بالقاهرة، ۱۴۸۸ هـ. ق، ج ۸، ص ۱۴۲-۱۴۶.

۳-الاتابکی، پیشین، ج ۹، ص ۲۱۱؛ مقربی، تقی الدین احمد بن علی، السلوک لمعرفه دول الملوك، به تصمیح سید مصطفی زیاده، مصر، مطبوعه دارالكتب، ۱۳۵۵ هـ. ق، ج ۱، ص ۲۴۵-۲۹۰.

۴-در این مورد منظور کتاب «تاریخ المختصر الدول» ابن عربی است (= ابن عربی، غریغ یوس ابوالفرج اهرون، تاریخ المختصر الدول، ترجمه محمدعلی تاج پور و حشمت الله ریاضی، تهران، اطلاعات، ۱۳۶۴).

۵-مقربی، پیشین، ج ۲، ص ۱۴۷-۱۵۸؛ ابوالفداء، عماد الدین اسماعیل، المختصر فی اخبار البشر، علی نفقة سید محمد عبد الطیف الخطیب و سرگاه، مصر، المطبعه الحسینی، ۱۳۲۵ هـ.

۶-ابن کثیر، پیشین، ج ۱۴، ص ۱۰؛ ابن عmad حنبیل، ابن الفلاح عبدالحق، شذرات الذهب فی اخبار من ذهب، [بنی جا] مکتبه القدس، ۱۳۵۱ هـ. ق، ج ۱۰، ص ۳۳-۵۳.

۷-ابن کثیر، پیشین، ج ۱۳، ص ۲۴۱؛ مقربی، پیشین، ج ۱۳، ص ۴۲۵.

۸-الاتابکی، پیشین، ج ۱۲، ص ۲۵۲، ص ۱۴۲-۱۴۶ و ص ۱۵۷؛ نامه‌غازان خان به سلطان مملوک و پاسخ آن.

شیوه نگارش مورخان عربی زبان در مراحل مختلف دولت ایلخانی متفاوت بوده است در عصر ایلخانان غیر مسلمان و در زمان غازان مسلمان که مناسبات خصم‌انه ای با دولت مملوک داشته، ایلخانان را سخت مورد حمله قرارداده اند... اما در عهد ایلخانان مسلمان پس از غازان، بخصوص در دوران حکومت ابوسعید، به پیروی از روابط مصالحت آمیز، لحن بیان منابع عربی آرام شده و دولت ایلخانی را به عنوان دولتی مسلمان یاد می‌ کند

روی حوادث نظم و هماهنگی بیشتری داشته و جستجوی مطالب و ارائه آنها آسانتر است.
از مسائلی که در منابع فارسی مورد بی‌توجهی قرار گرفته و یا کمتر به آنها توجه شده برای نمونه‌می‌توان به اموری همانند: مساله حق و چگونگی انجام این فرضیه مهم از طرف مسلمانان قلمرو ایلخانی ورقانی که بر سر این مساله در عهد ایلخانان مسلمان وجود داشته، عملکردهای اسلامی ایلخانان در حرمین شریفین، حمایت آنها از شیعیان زیدی مکه، تلاش در جهت کسب نفوذ در حجاز (۵) عملکرد اقتیهای مذهبی و اتحاد عمل آنها با منولان علیه مسلمانان هنگام حمله به شام، (۶) مسائل مربوط به روابط مملوکان با الویس جوجی و اشتراک آنها علیه ایلخانان، (۷) مکاتبات و نامه‌نگاری‌ها و به خصوص اوردن متن برخی نامه‌ها که در منابع فارسی نیامده استه، (۸) چگونگی برخورد مغولان با مسلمانان شام و مصر و درگیری‌ها و نبردهای مربوطه... اشاره کرد. خوب است به این نکته توجه کنیم که در بیان مطالبی که هر دو دسته از مورخان فوق الذکر آورده‌اند هیچ تضاد و اختلافی بین مسلمانان قلمرو دولت وجود نداشته بلکه آنچه برای هر دو دسته مهم بوده نوعی تلاش در جهت محقق جلوه دادن و برتری بخشیدن به یکی از طرفین متخاصم بوده است که

واقعی جلوه کرده و در هر زمینه‌سی در برتری بخشیدن به دولت مملوک و ضعیف جلوه‌دان رقیب شده است. در عهد ایلخانان مسلمان پس از غازان و بخصوص در دوران حکومت ابوسعید به پیروی از روابط مصالحت آمیز، لحن بیان منابع عربی آرام شده و دولت ایلخانی را با عنوان دولت مسلمان یاد می‌کنند. (۲)

صرف‌نظر از مسایل فوق که تأثیر بذیر از ملاحظات سیاسی بوده است، آنچه به لحاظ سهم منابع عربی در تاریخ عهد ایلخانی مهم به نظر می‌رسد، مطرح کردن سیاری از مسایلی است که یا در منابع فارسی زبان نیامده و یا به نحو خاصی ارائه شده است. در این ارتباً‌اگر چه ممکن است مورخان عرب زبان هم با حب و بغض مطالب را اورده باشند، اما از آن جهت که مطالب را ذکر کرده و یا با تفضیل بیشتری سخن گفته‌اند کار آنان حائز اهمیت است. چرا که با مقابله مطالب آنها با منابع فارسی و نیز منابع مورخان مسیحی می‌توان تا حدی این تغییصه را برطرف کرد. (۴)

در این مورد که چه عواملی باعث شده تا مورخان عرب زبان با دقت و تفصیل بیشتری سخن بگویندی توان به این موارد اشاره کرد. برخورد با مقوله‌های مترین مساله دولت مملوک بوده و در تمامی نبردهایی که با ایلخانان صورت گرفته شخص سلطان حضور داشته است، با حضور سلطان و بزرگان و سایر اکران دولتی بی شک مورخان هم حضوری گسترده‌داشته، واقعی را با جزئیات و اشراف بیشتری اورده‌اند. در این ارتباط چگونگی و زمان بروز جنگها و درگیری‌ها، روابط سیاسی و مکاتبات مربوطه، عملکرد سپاهیان دولت، شیوه برخورد حاکمان شام و جزیره (که محل برخورد دو دولت بوده) و حتی شکست‌های دولت‌مملوکان را منابع عربی با دقت و توجه بیشتری بیان کرده‌اند.

این در حالی است که مورخان قلمرو ایلخانی برخورد با مملوکان را در راستای سیاست کلی ایلخانان و مشکلات و درگیری آنها در دیگر نواحی اورده، از آن روی دقت و وسعت لازم را نداشته‌اند. در این بین اینکه شخص ایلخان هم در بسیاری درگیری‌ها حضور نداشته مون خ نیازی به ذکر حوادث بدون حضور ایلخان نمی‌دیده مؤثر بوده است. مورد دیگر چگونگی بیان مطالب است. در حالی که منابع فارسی دوران حکومتی هر ایلخان را مدنظر داشته و وقایع را بدان طریق بیان کرده‌اند، اما روند کلی بیان مطالب در منابع عربی برحسب توالی ایام بوده و به طریق سالشماری، حوادث را اورده‌اند. از آن

مؤسسه انتشارات گلستان هنر

با هدف گسترش فرهنگ کتاب و شناسایی اندیشمندان و فرهنگ‌پردازان که تاکنون موفق به نشر آثار تالیفی یا ترجمه‌ای خود نشده‌اند، طرح:

انتشار نخستین اثر

را به مرحله اجرا درمی‌آورد.

از کلیه مؤلفین و مترجمینی که آثار قابل ارائه به جامعه فرهنگی ایران دارند دعوت می‌شود که نسخه از این مؤسسه ارسال فرمایند:

(۱) اولویت نشر با آثار تاریخی در حوزه‌های علوم انسانی و هنر می‌باشد.

(۲) تأییدیه صحت تحقیق از سوی مراجع علمی و دانشگاهی برای آثار تحقیقی ضروری است.

(۳) ارائه فهرست منابع و مأخذ مورد استفاده در کتاب ضروری است.

(۴) کتاب ارائه شده کمتر از صد صفحه نایاب باشد.

(۵) نسخه ارائه شده بر یک روحی کاغذ با خط خوانا و یا حروفچیتی شده ارسال گردد.

مؤسسه در بررسی و انتخاب آثار ارائه شده با توجه به ضوابط وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی مختار است.

نشانی: تهران - میدان مادر - خیابان شهید شاهنامه - کوچه دوم - پلاز - ۱۶ - واحد ۲ تلفن: ۰۲۲۲۱۳۶۷ - ۰۲۲۲۲۶۷۶۷